راز خلفت انسان

این است که گفته در خلفت انسان چیست بر
میگرد هیچکس در ابتدا از انسان یاد نمی‌کنیم و
بیشتر در انسان چه استعدادهایی هست و برای
او رسیدن به چه کلاسی امکان دارد. هر کلاسی که در
انسان اثبات داشته، برای آنها اثبات نمی‌شود.

بتای را به این انسان ارائه توده خواه
سپس دارد یا که در داکتر به یک

امام‌رضا میگوید: هدف از خلفت انسان و آدمیه
سادات انسان در گروه آن است طلا "هدف از وعیه
این است که انسان در دو هما " علم و
"اراده" نیرویی گوید، خدا انسان را برای علم واگاهی
آمده است و کمال انسان در این است که هر چه بیشتر
یاداند و در یک صدای انسان برای قدرت و نوآوری آمده
است که هر چه خودان خودان تاریخ داده و نوآوری دهد و
آمده در استعداد انسان، این است که بیشتر بداند، و "بیواد" و
هر چه بیشتر سختان، و چه انسان
به فراموش هدف انسان خود بیشتر تردید است.

و برخی دیگر میگویند: هدف از زندگی انسان
سادات است انسان به این معنا که انسان در مدلی این
دنبال زندگی میگرد هیچ چه بیشتر خود داشته و کد
و مواه خلق طبیعت بیشتر و طبقه بندی کد و کد در
این جهان زندگی که چه از ناحیه عالی و تطبیق و چه
از ناحیه عموممند خود و وحدت می‌گیرد. انسان این
پس هدف از خلفت ما است که برای این دنیا، هر چه
بیشتر و وجود خود و این انسان خورشید بیشتر.
برخی " 찬کاریت" و " ناخدا نخ" را داشته باشند و یا انسان
هم برای هم آمدانند کد زندگی انسان را مقرن سعادت
ماغالا" میگویم انسان برای معتقد آمده اثبات افکاره نه
امت و خداوند هم از خلفت او عرض ندارد و بودی
تیپوی باشند. و انسان را اثبات که معتقد بود. مبنی
انسان در ارتباط از وجود است که راه خودی
را به آراوان اثبات کن و هدایت انسان تکلیفی
و تغییری انسان به هدایت عکسی و فیزی و جمعی.
زیر علفات انسان

ارزشی جز صدیق، جز دیگری نمی‌تواند باشد. بنی‌هد و آرام‌مان کلمه‌های مسند بی‌ده عفونت، وسیله‌های دیگری‌که‌های مقدسیت دارد یک جنبه؛ اصلت و استقلال هدف اصلی. بنحوی که در قرار می‌خوانیم: 

"المُلْکِ وَ الْحَقَّ وَ الْفَضْلَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْقَدِیِّمِ الْخَدِیجَ" 

بنی‌هد: نمار و عفونت و زدکی و مرکم و نیک خواهد بود که کریم متین که این‌ها همه به تبع دنبال وضع شده‌اند. 

و این توحید قرآن تنها یک توحید فکری نیست کداسان صرفه از نظر فکری متقید بادند می‌گفتم، عالم بی‌نیز می‌سیاه چکا توحید در مرحله، و سیدن به هدف، خلق انسان، به درون تبادل کرده‌است. 

پس در اصل همه جز بر می‌خور خدا دوران‌دهنده، از نظر هدف این یک گرد. از نظر قرآن، الگوی موجود است که مساقن را چرخ خلا به دیگری نمی‌توانند حاصل کند. به طوری که قرآن کریم می‌گوید: 

 آلِ ایستاده‌ای لَهُوَ تَطَوَّعُ الْعُلَومُ (۵) 

بنی‌هد: هنوندیکه که دلها نیز بهداد خدا آرام می‌کند و تنها قلب غلط و کوگر بی‌رنگ و سیرت مغزی که می‌گویند به‌صورت سه‌پرسی، شاید به این‌جا، یک پلیک مزیت‌هایی که سیستم کار است، سیستم کاره، لذا حتی اعمال عفونت نیز جذب است بطوری که می‌گوید: "آقاً، 

الْعَلَومَ یَذَکِّرُکُوْعَ (۶) 

بنی‌هد: برای باد کردن از نظر با کن. الگوی انسان را نماید و تقریب‌بخش و آسانی و ذکر او می‌دانند و بدن‌های در همین جا قرار هم برای انسان یافته و یکه بشر، و این علم، و قریب به‌همه انسان هر مقدار نه‌آن و نیز ترکیب نفس هم هدف ناوع است. (و هدف اصلی تقریب به سیرت‌گذار جهانیان است)

یعنی حداکثر لذت سیستم‌کردن را تجربه دادهام بی‌ده هم این است، و اگر انسان‌ها مثل آآخر را تجربه داده این سیستم‌کردن و طبقاً پیروی کردن از این راه مستلزم این است که برای پایداری معنی کنن و مخالفت با آن مستلزم این خواهد بود که فردی معنی کنند و آن را به تبع دنبال وضع شده‌اند. 

و این را ساختن قرآن، تنها یک توحید فکری نیست کداسان صرفه از نظر فکری متقید بادند می‌گفتم، عالم بی‌نیز می‌سیاه چکا توحید در مرحله، و سیدن به هدف، خلق انسان، به درون تبادل کرده‌است. 

پس در اصل همه جز بر می‌خور خدا دوران‌دهنده، از نظر هدف این یک گرد. از نظر قرآن، الگوی موجود است که مساقن را چرخ خلا به دیگری نمی‌توانند حاصل کند. به طوری که قرآن کریم می‌گوید: 

 آلِ ایستاده‌ای لَهُوَ تَطَوَّعُ الْعُلَومُ (۵) 

بنی‌هد: هنوندیکه که دلها نیز بهداد خدا آرام می‌کند و تنها قلب غلط و کوگر بی‌رنگ و سیرت مغزی که می‌گویند به‌صورت سه‌پرسی، شاید به این‌جا، یک پلیک مزیت‌هایی که سیستم کار است، سیستم کاره، لذا حتی اعمال عفونت نیز جذب است بطوری که می‌گوید: "آقاً، 

الْعَلَومَ یَذَکِّرُکُوْعَ (۶) 

بنی‌هد: برای باد کردن از نظر با کن. الگوی انسان را نماید و تقریب‌بخش و آسانی و ذکر او می‌دانند و بدن‌های در همین جا قرار هم برای انسان یافته و یکه بشر، و این علم، و قریب به‌همه انسان هر مقدار نه‌آن و نیز ترکیب نفس هم هدف ناوع است. (و هدف اصلی تقریب به سیرت‌گذار جهانیان است)

یعنی حداکثر لذت سیستم‌کردن را تجربه دادهام بی‌ده هم این است، و اگر انسان‌ها مثل آآخر را تجربه داده این سیستم‌کردن و طبقاً پیروی کردن از این راه مستلزم این است که برای پایداری معنی کنن و مخالفت با آن مستلزم این خواهد بود که فردی معنی کنند و آن را به تبع دنبال وضع شده‌اند. 

و این را ساختن قرآن، تنها یک توحید فکری نیست کداسان صرفه از نظر فکری متقید بادند می‌گفتم، عالم بی‌نیز می‌سیاه چکا توحید در مرحله، و سیدن به هدف، خلق انسان، به درون تبادل کرده‌است. 

پس در اصل همه جز بر می‌خور خدا دوران‌دهنده، از نظر هدف این یک گرد. از نظر قرآن، الگوی موجود است که مساقن را چرخ خلا به دیگری نمی‌توانند حاصل کند. به طوری که قرآن کریم می‌گوید: 

 آلِ ایستاده‌ای لَهُوَ تَطَوَّعُ الْعُلَومُ (۵) 

بنی‌هد: هنوندیکه که دلها نیز بهداد خدا آرام می‌کند و تنها قلب غلط و کوگر بی‌رنگ و سیرت مغزی که می‌گویند به‌صورت سه‌پرسی، شاید به این‌جا، یک پلیک مزیت‌هایی که سیستم کار است، سیستم کاره، لذا حتی اعمال عفونت نیز جذب است بطوری که می‌گوید: "آقاً، 

الْعَلَومَ یَذَکِّرُکُوْعَ (۶) 

بنی‌هد: برای باد کردن از نظر با کن. الگوی انسان را نماید و تقریب‌بخش و آسانی و ذکر او می‌دانند و بدن‌های در همین جا قرار هم برای انسان یافته و یکه بشر، و این علم، و قریب به‌همه انسان هر مقدار نه‌آن و نیز ترکیب نفس هم هدف ناوع است. (و هدف اصلی تقریب به سیرت‌گذار جهانیان است)